



نگاهی به فیلم «ماسک» با بازی کامرون دیاز

گروه ادب و هنر| فیلم «ماسک» سال ۱۹۹۴ تولید شد و یکی از عجیب ترین و متفاوت ترین فیلم‌های ژانر کمدی تاریخ سینما لقب گرفت. در این اثر ما علاوه‌بر کمدی با ژانرهای وحشت و ابرقهرمانی نیز مواجه می‌شویم که فضایی به شدت غریب را رقم می‌زند. جیم کری، بازیگر اصلی این فیلم است که در کنار کامرون دیاز توانستند فروش هنگفتی در سراسر جهان برای تهیه‌کنندگان رقم بزنند. این فیلم با ۳۱ میلیون دلار هزینه به فروشی بالای ۳۵۱ میلیون دلار دست یافت که رکورد بسیار بزرگی بود. کامرون دیاز ۳۰اگوست ۱۹۷۲ در آمریکا به دنیا آمد و در زمینه مد و سینما به یک ستاره بزرگ تبدیل شد.

کافه تئاتر

تقدیر از همه حاضران در اختتامیه جشنواره عروسکی

مر ضیه برومند دبیر دوره هفدهم شد



سیدحسین رسولی

H.Rasouli@FDN.IR

کیفیت و جذاب بود و مردم و کودکان با عروسک‌هایشان استقبال بی نظیری از این گردهمایی داشتند. این اتفاق به گونه‌ای بود که مهدی شفیعی، مدیر مرکز هنرهای نمایشی گفت: «قدرت خانم برومند به گونه‌ای بود که با چند پیامک او، جمعیت آنبوهی در افتتاحیه حاضر شدند.» او در پایان صحبت‌های خودش دوباره برومند را دبیر دوره بعدی کرد و حاضران بسیار خوشحال شدند و کف و جیغ فراوانی در سالن به گوش می‌رسید. یکی از نکات جالب دیگر جشنواره توجه ویژه به شکل برگزاری مراسم بود. واقعا می‌توان گفت اجرای فاطمه معتمدآریا به همراه «مبارک»



فاطمه‌معتمدآریابه‌همراه «مبارک» در کنار مرضیه‌برومند

همین منوال مرضیه برومند در مراسم پایانی جشنواره جوایز ویژه‌ای را به عنوان دستاوردی مهم به هما جدیکار، برای تئاتر عروسکی اصیل ایرانی، پویک عطیعی، برای کارگروهی، منیره مولوی‌زاده، برای ساخت عروسک، مرتضی اسدی‌مرام، به منظور سختکوشی و ممارست در عرصه نمایش عروسکی و اسماعیلی، به دلیل حفظ آیین‌های سنتی و ادبیات شفاهی اهدا کرد. البته در این جشنواره تقدیر ویژه‌ای از ددی بودامچی، هنرمند هندی و بهروز غریب‌پور از پیشکسوتان هنرهای نمایشی به عمل آمد و کلیپ‌های بسیار زیبایی از زندگی هنری آن دو به نمایش درآمد که با تشویق و استقبال حاضران روبه‌رو شد. مرضیه برومند در انتهای مراسم گفت: «مجبورم دو سال دیگر از جیب بخورم. من به منیژه حکمت و فرشته طائرپور قول داده‌ام که برایشان فیلم بسازم.» از همین حالا مشخص است که جشنواره دو سال دیگر نیز از کیفیت بالایی برخوردار خواهد بود.

کافه کتاب

کتاب جدید فیروزه جزایری در صدر فروش بازار کتاب آمریکا

گروه ادب و هنر| فیروزه جزایری‌دوما، نویسنده آمریکایی- ایرانی برای ایرانیان کتابخوان، نامی آشنا است که یادآور کتاب پرفروش «عطر سنبل، عطر کاج» است؛ کتابی که بار نخست این نویسنده را در ایران سر زبان‌ها انداخت و کتاب او به چاپ‌های متعدد رسید و یکی دو سال همواره در صدر فهرست فروش قرار داشت. طنازی نویسنده و روایت شیرینش در این کتاب به مذاق ایرانی‌ها هم خوش آمد. «خندیدن با لهجه» نیز با نام‌های مختلف در ایران ترجمه و مورد استقبال قرار گرفت. البته نویسنده تاکید کرده است که فقط محمد سلیمانی‌نیا اجازه انتشار کتاب‌هایش را در ایران دارد و از خوانندگان ایرانی خواسته است تا جایی که امکان دارد نسخه انگلیسی کتاب او را بخرند. این کتاب نیز روایتی از زندگی مهاجران در آمریکا است. حالا از فیروزه جزایری‌دوما رمانی منتشر شده است که به فهرست پرفروش‌ترین کتاب‌های تابستانی در آمریکا درآمده است و از همه مهم‌تر اینکه این اتفاق در بازار کتاب کودک و نوجوان افتاده است.

«فالفل آنقدرها هم بدمزه نیست» نام نخستین کتاب فیروزه جزایری‌دوما در حوزه کودک و نوجوان است که توانسته با وجود تک‌جلدی بودن به یکی از کتاب‌های پرفروش تبدیل شود. جزایری دهه ۷۰میلادی در آمریکا را به‌عنوان بستری برای روایت رمان نیمه اتوبیوگرافیک خود انتخاب کرده است. این کتاب داستان زمرد نوجوانی است که با پدر و مادر ایرانی خود به آمریکا آمده و شاهد است که تحولات تاریخی ایران بر ذهنیت آمریکایی‌ها در مورد ایرانیان آنجا تاثیر گذاشته است. زمرد یوسف‌زاده با طنز و شوخ‌طبعی‌اش موفق می‌شود این فضا را تاب بیاورد و از عهده همه چیز بپراید. در این کتاب فیروزه جزایری تصویری از

دنیای یک نوجوان مهاجر را ارائه می‌دهد. شخصیت اصلی رمان او آبادانی است که از کامپتون به نیویورک بیج نقل مکان می‌کند تا یک بار دیگر مزه و طعم مهاجرت را بچشد. فیروزه جزایری، نویسنده متولد ۱۳۴۴ در شهر آبادان است. او در هفت سالگی همراه خانواده‌اش از طرف شرکت نفت ایران، که پدرش در آنجا به‌عنوان مهندس کار می‌کرد، به شهر ویتری در کالیفرنیا مهاجرت می‌کند. او در دانشگاه برکلی تحصیل کرده و با کتاب نخست خود که به فارسی به «عطر سنبل، عطر کاج» ترجمه شده، به شهرت رسیده است؛ کتابی که عنوان یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های آمریکایی در چند سال نخست انتشارش را از آن خود کرد.

کافه سینما

بهای بلیت فروشنده به قیمت عادی برگشت

گروه ادب و هنر| با توجه به مخالفت اصغر فرهادی، تهیه‌کننده و کارگردان فیلم «فروشنده» بهای بلیت این فیلم به حالت عادی؛ یعنی در سینماهای ممتاز هشت هزار تومان و در پردیس‌های سینمایی ۱۰هزار تومان برمی‌گردد. این خبر در حالی منتشر می‌شود که پیش‌فروش بلیت این فیلم از چند روز پیش به قیمت ۱۲ و ۱۵ هزار تومان آغاز شده و بسیاری از دوستداران فیلم‌های فرهادی علی‌رغم افزایش بها، بلیت خود را تهیه کرده‌اند. البته علی سرتیپی، مدیر فیلمبرایان که مسئولیت پخش این فیلم را بر عهده دارد علت افزایش قیمت بلیت را به زمان و کیفیت پخش ربط داده؛ اما بعد از سه روز از پیش‌فروش بلیت‌ها حالا اعلام کرده است با مخالفت فرهادی قیمت بلیت به روال عادی برمی‌گردد. مخالفت فرهادی نسبت به افزایش بلیت در صورتی مطرح می‌شود که روابط عمومی فیلم فروشنده اعلام کرده‌بود عوامل فیلم هیچ‌بخش‌دخالتی در قیمت بلیت ندارند. در واقع با این ترفند مسئول پخش فیلم برخلاف شورای صنفی نمایش به مدت سه – چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه – بلیت‌ها را به قیمت افزایشی پیش‌فروش کرده و قرار است از شنبه قیمت بلیت به حالت عادی برگردد.

#

امیرعلی نصیری

منتقدومدرس دانشگاه آزاد اسلامی

«لاتوری» پژوهشی مستندگونه در باب مسائل اجتماعی به ویژه مساله قصاص است که با یک فرم روایی نسبتا جدید در سینمای ایران مانیفست می‌دهد. درلایه‌لای تماشای فیلم‌های بازجویی از گروهی خلاقکار و اظهارنظر افشار مختلف مردم درباره آنها، اصل داستان را به صورت گذشته‌نمایی شاهد هستیم. اگرچه در جایی از فیلم گفته می‌شود که زیاد دنبال معنی «لاتوری» نباشید، ولی به ادعای وب‌سایت پارسی‌ویکی، اصطلاح «لاتوری» به افراد تازه‌کار، کارنابلد و ناکارآمدی گفته می‌شود که بسیار پرمدعا نیز هستند. برخی نیز آن را مخفف شده «لامپ توری» می‌دانند که در این صورت تاییدی است بر معنایی که اشاره شده‌به پنهان اکران «لاتوری» با مریم پالیزبان به گفت‌وگو نشستیم. پالیزبان، متولد ارومیه و ساکن برلین است. او دانش آموخته مقطع کارشناسی رشته هنرهای نمایشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است که دوره دکتری فلسفه و علوم انسانی خود را با گرایش مطالعات تئاتری از دانشگاه FreieUniversität برلین گذرانده است. تنها فیلم‌های «نفس عمیق» (برویز شهبازی، ۱۳۸۲) و «لرزاننده چربی» (محمد شیروانی، ۱۳۹۱) و به تازگی فیلم «پدیده» (علی احمدزاده) در کارنامه بازیگری او به چشم می‌خورند. «نفس عمیق» نامزدی سیمرغ جشنواره فیلم فجر و همچنین جشن خانه سینما

را برایش به ارمنخان آورد و در نظرسنجی چندین نشر به سینمایی به عنوان بهترین بازیگر زن آن دوره از جشنواره انتخاب شد. «لرزاننده چربی» نیز مجال اکران پیدا نکرد.

از «نفس عمیق» شروع کنیم. چطور بازیگر این فیلم شدید؟

در دوران تحصیل در رشته هنرهای نمایشی در دانشکده هنرهای زیبا وارد تئاتر شدم. تعدادی از آن کارها را خودم کارگردانی می‌کردم و بقیه هم کارهای گروهی و تجربی در زمینه تئاتر بودند. در یکی از همان کارها با نام «نیمروز خواب‌آلود» که در فرهنگسرای ایوانار روی صحنه رفت، نوید میهن‌دوست، دستیار پرویز شهبازی بازی مرا دید و برای «نفس عمیق» با من تماس گرفت. اسم پرویز شهبازی از زمان نمایش فیلم «مسافر جنوب» خاطرم بود که در جشنواره فیلم کودک و نوجوان به نمایش درآمده و جوایز زیادی را برده بود. زمانی که در روزنامه «آفتابگردان» فعالیت می‌کردم، به عنوان داور بخش ویدئویی در جشنواره فیلم کودک و نوجوان حضور داشتم. به شدت دوران طلایی آن جشنواره را دنبال می‌کردم و فیلم‌های بسیار مهمی را دیدم. مانند «بادکنک سفید»، «دت یعنی دختر» و «تیک‌تاک». به این شکل بود که با انرژی و انگیزه بالایی وارد پروژه

بازخورد تماشاچیان نسبت به «لاتوری»



ا تاثیرگذار بودن لاتوری بسیار خوشحالم و از اینکه اکثریت کسانی که فیلم را دیده‌اند، به آن عکس‌العمل نشان می‌دهند. برای من مهم بود که «لاتوری» فیلمی خشتی نباشد و خوشبختانه ایظور نشد که البته از فیلمنامه هم پیدا بود. مهم‌ترین دلیل

ادب‌وهنر



سه‌شنبه ۹ شهریور ۱۳۹۵ ■ ۲۷ ذیحده ۱۴۳۷ ■ ۳۰ آگوست ۲۰۱۶ ■ شماره ۲۰۳

گفت‌وگوی «فرهیختگان»

با مریم پالیزبان، بازیگر فیلم «لاتوری»

فرار از عادت‌ها

مریم پالیزبان، بازیگر فیلم لاتوری

«نفس عمیق» شدم.

قبول دارید که می‌توان شما را بازیگر کم‌کاری نامید؟

من به عنوان کسی که رشته هنرهای نمایشی را خوانده، دغدغه کارِایم این هنرها بوده که بخش کوچکی از آن تئاتر و بخش کوچک‌تری از آن بازیگری است. هر آن چیزی که با نمایش دادن و با صحنه فرضی در سینما یا تئاتر مرتبط باشد، برایم جذابیت داشته است. بازیگری بخش کوچکی از فعالیت‌های مرا تشکیل می‌دهد. در فعالیت‌های پژوهشی‌ام در زمینه آیین‌ها، حتی سخنرانی‌ها و مقاله‌هایم نیز به این جنبه نمایش پرداخته‌ام. قطعا من بازیگر کم‌کاری هستم، چون بازیگری را به عنوان یک مساله تئوری و فلسفی تحلیل می‌کنم و سرعاش می‌روم. به خاطر همین دغدغه اصلی‌ام، به کارهای زیادی می‌پردازم که بازیگری فقط یکی از شکل‌های ابراز این دغدغه است.

چطور سر از پروژه «لاتوری» درآوردید؟

با نوید محمذنزاده، آشنایی کوتاهی سر فیلم «لرزاننده چربی» داشتم. او نقلی را در فیلم بازی کرده بود که هیچ نقشی مشترکی با من نداشت، ولی هنگام کار با هم آشنا شدیم. وقتی تیم «عصبانی نیستم» به جشنواره برلین آمده بود، دیدارها تازه شد و با رضا درمیشیان و باران کوثری هم آشنا شدم. یک سال بعد از این ماجرا بود که رضا درمیشیان با من تماس گرفت، فیلمنامه را فرستاد و بعد از مطالعه تصمیم گرفتیم در فیلم بازی کنم.

به نظر تان این فیلم می‌تواند تاثیر اجتماعی داشته باشد؛ یعنی نظر مردم را نسبت به قصاص و رضایت تغییر دهد. لازم‌ه سنجش میزان تغییر نظر مردم، کار پژوهشی است؛ یعنی باید آمارگیری شود و ببینیم نظر مردم

درباره این مساله چیست. وقتی چنین فیلمی ساخته می‌شود که نسبت به حوادث پیراموش خشتی نیست، می‌توان امیدوار بود که تاثیرگذار باشد. این مساله در طولانی مدت مشخص خواهد شد و از روی برخوردهای احساسی و عکس‌العمل‌های تند نمی‌توان آن را قضاوت کرد. تاریخ سینما هم نشان داده که فیلم‌های این‌چنینی تاثیر خود را در بلندمدت می‌گذارند. من خیلی خوشحالم که فیلمی مثل «لاتوری» مورد استقبال وسیع مردم قرار گرفته است. از طرف دیگر، خیلی برایم جالب است و به شدت نظر مخاطبان فیلم، حتی کسانی که نقدهای تندی به فیلم دارند، دنبال می‌کنم. فکر می‌کنم سرنوشت این فیلم، یا هر اثر هنری دیگری در طولانی مدت و فراتر از تمام بازتاب‌های مثبت یا منفی‌اش رقم بخورد.

چگونه به نقش مریم نزدیک شدید و آن را برای خود کردید؟

به این سوال به دو شکل می‌توان پاسخ داد؛ شکل کوتاهی می‌شود مثل هر بازیگر دیگری ولی شکل بلندترش می‌شود اینکه من ترجیح می‌دهم هنگام نزدیک شدن به یک شخصیت، در درجه اول به نقاط اشتراک‌مان فکر کنم. این نقاط اشتراک می‌تواند محدود باشد؛ مثلا زن بودن و همسن بودن. همزمان شروع می‌کنم بر اساس فیلمنامه به یک بیوگرافی برای شخصیت برسم که کاربرد کاملا شخصی دارد. به عنوان مثال، این شخصیت چگونه بزرگ شده است، کجا بوده و در این نقطه که ایستاده چه اتفاقی‌های را پشت سرگذاشته است و بر اساس این بیوگرافی در یک موقعیت



به نظر تان این فیلم می‌تواند تاثیر اجتماعی داشته باشد؛ یعنی نظر مردم را نسبت به قصاص و رضایت تغییر دهد. لازم‌ه سنجش میزان تغییر نظر مردم، کار پژوهشی است؛ یعنی باید آمارگیری شود و ببینیم نظر مردم

خاص چه تصمیمی خواهد گرفت؛ نکته‌ای که در مورد مریم فرامی‌برایم جالب بود و تحسین می‌کنم، اراده قوی این زن برای مستقل بودن است در راهی که می‌رود.

پوشیده بودن صورت با آن گریم سنگین در یک سوم پایانی فیلم چه احساسی را به شما منتقل می‌کرد؟

بسیار سخت بود. اگر بتوانید تصور کنید که گریم از ساعت ۶ صبح شروع شود، سه ساعت طول بکشد و به علت فشردگی کار تا زمانی که نور اجازه می‌دهد، بازیگر زیر گریم بماند، سختی کار را درک خواهید کرد. در اکثر مواقع خصوصا پلان‌های بیمارستان، نمی‌توانستم ببینم و دهانم را درست باز کنم. یک پروسه کند شدن در من اتفاق افتاده بود. وحشتناک بود. اما در لحظاتی که واقعا کار برایم سخت می‌شد، احساس نمی‌کردم زیر گریم تنها هستم؛ عبدالله اسکندری (طراح گریم) و مانی اسکندری (مجری گریم) و سایر اعضای گروه به خصوص رضا درمیشیان در

تمام این لحظات کنار من بودند. فضای بسیار عجیب و سنگینی بود. حتی خاطرم هست یک بار که از حال رفتم و مجبور شلندم به من سرم بزنند، خانم پرستاری تصور کرده بود که واقعا ایسن اتفاق برایم افتاده است! که البته از هنر استاد اسکندری و گریم‌خارق‌العاده‌ایشان بود. کل فیزیکی و فضا ایسن حس را به طرز عجیبی به همه (و حتی خود من) القا می‌کرد که در واقعیت این اتفاق برای من پیش آمده است؛ البته قطعا تمام این سختی‌ها ذره‌ای با موقعیت واقعی قربانیان چنین جنایتی قابل قیاس نیست.

نکته دیگر تغییر محل سکونت شما هنگام بازی در لاتوری بود. اگر بازیگر در زمان ساخت فیلم در شهرش (مثل نفس عمیق)

زنی تنها، تا حدودی دلسرد و سرسخت دیدم که طبیعتا به شرایطی که به لحاظ کاری و اجتماعی دارد، غیر از این نمی‌توانست باشد. گویی این موارد از محیط کاری‌اش بر او اثر گذاشته شده است؛ مثل کار کردن با نوجوانانی که در انتظار اجرای حکم اعدام هستند. در درونش این احساس وجود دارد که به آدم‌های مثل خودش کمک کند و معتقد است انسان‌ها تحت شرایط محیطی به فرد فعلی تبدیل شده‌اند. البته به این مساله در مورد باند لاتوری هم پرداخت می‌شود. به بدی مطلق یا خوبی مطلق هیچ انسانی اعتقاد ندارد.

نقطه حساس زندگی این آدم لحظه‌ای است که در برابر چیزی که ظلم مطلق است، قرار می‌گیرد و تمام آن چیزی که به آن اعتقاد داشته و برایش کار کرده، زیر سوال می‌رود و دچار شک‌های بنیادین می‌شود. او در مقابل چنین اتفاقی قرار می‌گیرد و می‌خواهد خود را به صورت عملی بسنجد. مطالبی را که تا اینجا گفتم، مربوط می‌شود به مریم فرنامی پیش از آنکه آن اتفاقی سهمگین برایش بیفتد. تاثیری که آن اتفاق دارد، نه تنها دفورمه شدن صورت؛ بلکه منجر به تغییر تمام سیستم منطقی و فکری این زن شده است. چطور می‌شود که همه چیزهایی که برای ادامه زندگی انسان حیاتی هستند، زیر سوال بروند؛ مانند دیدن، کار کردن و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و از همه مهم‌تر اینکه روح‌ت لکه‌دار نشود و

و